

بهرام سروری نژاد، بازیگر:

تأثیر به معنای واقعی مهجور مانده است



اینکه کاراکترها اسم ندارند اما تیپ هم نیستند را چگونه در نقش پردازی مورد توجه قرار دادید؟

بله این کاراکترها تیپ نیستند بلکه هر کدام از آنها کاراکترهایی هستند که بنا به موقعیتشان در صحنه و نمایشنامه درست به عمل می‌زنند. کاراکتری که من بازی می‌کنم در نمایشنامه به عنوان پیش خدمت نوشته شده ولی هیچگاه صدا زده نمی‌شود و اسمی ندارد و هر زمان که به او نیاز باشد از طریق رنگ او را فرا می‌خوانند. فکر می‌کنم این مسئله بدین علت است که شاید بتوان به این نمایش نگاه فراتر از گیر تری داشت البته منظورم نگاهی در ابعاد جهان شمول نیست اما ما کاراکتر و داستان را به منطقه خاصی محدود نکردیم و این مسئله می‌تواند برای هر کسی در هر جایی اتفاق بیفتد به همین علت هیچ تکییدی روی اسم‌ها نبود. کاراکتری که من بازی می‌کنم سال‌هاست در کنار این مردی که به لحاظ مالی و شغلی جایگاه خوبی دارد کار می‌کند و شاید حتی برای نسل قبل او نیز کار می‌کرده و بیش از اینکه بتوانیم بگوییم که این کاراکتر وجوه مختلفی دارد می‌توانیم او را کاراکتری سرگردان بدانیم که بیشتر به دنبال راهی است تا خودی نشان دهد به همین علت مدام از این شاخه به آن شاخه می‌پرد و هیچ کدام از کارها و علایقش را نیز به نحو احسن انجام نمی‌دهد نه زمانی که به دنبال موسیقی مدرن و رپ است و نه زمانی که آشپزی می‌کند یا به روانشناسی علاقه‌مند می‌شود در واقع او هدف مشخصی ندارد فقط می‌خواهد دائماً توی چشم باشد و در حضور هر کسی خودش را مطرح کند به همین علت مدام ناکام می‌شود.

این کاراکتر سطحی بودن خاصی دارد درست مانند اقیانوسی به عمق یک سانت.

بله این کاراکتر به نسبت مردی که در نمایش داریم کاراکتر سطحی‌تری است و هیچ وقت به سمت هدف مشخصی حرکت نمی‌کند و به همین دلیل به عنوان کاراکتر عمیق نمی‌شود.

آیا بخش‌هایی که روی بیت باکس، رپ می‌خوانید برای شما چالش برانگیز بود؟

شک نکنید که چالش برانگیز بود چون به هر حال ما خواننده نیستیم و اگر زمانی هم برای دل خودمان زمزمه کنیم بافضیه رپ متفاوت است. بنابراین کمی سخت توانستیم به این هماهنگی برسیم اما با همتی که هم بچه‌های بیت باکس داشتند و هم خود کارگردان کار و تلاشی که خودم کردم توانستیم با آنچه امروز روی صحنه می‌بینید برسیم.

سخن پایانی

نکته مهم این روزها این است که تأثیر به معنای واقعی مهجور مانده است و بسیاری از مردم پیش از آنکه به تأثیر و دیدنش علاقه‌مند باشند به دیدن افراد مشهور و معروف یا همان سلبریتی‌ها علاقه نشان می‌دهند. به همین علت در بسیاری مواقع آثاری که افراد مشهوری در آن حضور ندارند در محاق قرار می‌گیرند و کمتر دیده می‌شوند. البته نمی‌خواهم در این خصوص حکم قطعی بدهم و کارهایی هم هستند که بدون داشتن سلبریتی‌ها موفق می‌شوند اما تعدادشان در طول یک سال شاید کمتر از انگشتان دو دست باشد و اگر ما بتوانیم این فرهنگ دیدن نمایش را در بین مردم جا بیندازیم کار بسیار مهمی کرده‌ایم. به همین علت از همین جادوت می‌کنم که مخاطبان عزیز بیایند و یک کار روانشناسانه را در لایه‌های طنز ببینند، هم بخندند و هم تفکر کنند چرا که این اثر می‌تواند یک نمونه خوب از یک کار طنز می‌تواند باشد که ما ادعای کنیم آن را انجام داده‌ایم و امیدواریم که موفق شده باشیم و قضاوت نهایی قطعاً با مخاطبان عزیز خواهد بود.



مریم امینی، کارگردان:

در این نمایش دغدغه‌های آدم‌های امروز بیان شده است

خانم رضوی نیز تاکنون کمتر کار تأثیر انجام داده‌اند به همین علت احساس کردم که این تفاوت جذاب خواهد بود. یعنی هم اینکه ایشان تا حالا تأثیرهای زیادی کار نکرده بودند و کسی هم ایشان را در این قالب ندیده بود و ذهنیتی وجود نداشت که رضوی در این قالب چگونه خواهد بود.

به نظر می‌آمد که شما در مقام کارگردان کمی عقب کشیده‌اید و اجازه داده‌اید که بیشتر محتوای نمایش و بازی‌ها به چشم بیایند.

بله ولی این کار کاملاً عمدانه بود. شاید هر کارگردانی دوست داشته باشد که با میزانشان دادن و قاب بندی‌ها آنچه که آموخته است را روی صحنه نشان دهد ولی واقعیتش هیچ کدام از این‌ها به این نمایش تعلق نداشت چون ما با کاراکتری مواجه بودیم که این کارخانه پناهش شده است و حتی حال و توان این را ندارد که بخواهد حرکت‌های زیادی روی صحنه داشته باشد. در واقع بر خلاف ظاهرش درون او افسرده است و باید میزانش‌های او صرفاً تشکیل شده از حرکت‌هایی باشد که ضرورت دارند به همین علت اکثر مواقع این کاراکتر روی سه کار تن وسط صحنه نشسته است چرا که این کارخانه پناهگاه اوست. او برای خودش جایی را ساخته که کسی نباشد تا بتواند به راحتی درون خود فرو برود و من تلاش کردم با همکاری بازیگران میزانش‌ها را جوری طراحی کنیم که بیشتر، فضایی که به وجود می‌آید مخاطب را درگیر کند و باز خوردی هم که می‌گیرم در همین راستا است. صحنه مبتنیال است چون قرار نیست فوکوس بکشد و دید و نظر مخاطب را بیش از اندازه جلب خود کند همینطور نور نیز در خدمت همین موقعیت‌ها است و ما می‌خواهیم تمرکز روی آدم‌هایی باشد که آن موقعیت را خلق می‌کنند.

از چگونگی پیوستن تهیه‌کننده به کار بگوئید.

من و آقای سالک فرد آشنای مشترکی به نام خانم دکتر عطاری داشتیم که ایشان را به من معرفی کردند. البته آقای سالک فرد قبلاً هم یک تجربه تهیه‌کنندگی تأثیر داشتند و پس از اینکه ورژن اولیه نمایشنامه را خواندند با توجه به اینکه ارشد روانشناسی داشتند و همان زمان برای دکترای روانشناسی اقدام کرده بودند وقتی دیدند که محتوای کار مربوط به روانشناسی و موضوعات از این دست است خیلی استقبال کردند.

سخن پایانی

دوست دارم مخاطبان زیادی این کار را ببینند نه صرفاً مخاطبان تأثیری و از روز اولی که کار روی این متن را آغاز کردیم هدف‌مان مردم و مخاطب عام بود به این علت که در این نمایش دغدغه‌های آدم‌های امروز بیان شده و با توجه به باز خوردی که در این روزها گرفته‌ایم به این نتیجه رسیده‌ام که این نمایش می‌تواند مخاطب را جذب کند و مخاطب می‌تواند خودش را در قالب کاراکتر اصلی ببیند به همین علت دوست دارم که مخاطبان بیایند و این کار را ببینند و به نظرم حتی اگر تعداد کمی تأثیر بپذیرند و تغییری در برخی مسائل زندگی‌شان ایجاد شود نمایش کار خودش را کرده است.

این اثر چندمین تجربه تأثیری شما محسوب می‌شود و اساساً چرا به این سوژه علاقه‌مند شدید؟

واقعیتش از سال ۹۳ تاکنون کارهای تأثیر زیادی انجام دادم اما در زمینه اجرای عموم و کارگردانی این اثر چهارمین کار من محسوب می‌شود و دلیل علاقه‌ام به این موضوع فردی بود که یک سری از ویژگی‌های کاراکتر اصلی این نمایش را داشت و با اینکه برای سال‌های زیادی آدم مثبتی بود از جایی شاید دیگر از زندگی و آدم‌های اطرافش خسته شد. در دقت بیشتر احساس کردم که این موضوع در جامعه ما خیلی زیاد شده اینکه آدم‌ها به چهره خود ماسک بزنند، مشکلاتشان را مطرح نکنند و حتی نتوانند با دیگران حرف بزنند اما انقدر فشار موضوع و غم آن زیاد است که اگر می‌خواستیم به صورت یک نمایشنامه جدی آن را بنویسم بسیار تلخ می‌شود و احتمال آن بود که روان انسان‌ها این موضوع را پس بزنند و نتوانند تحمل کنند اینگونه شد که این موضوع روانشناختی را در بستر کمدی نوشتیم.

دکور این نمایش ارتباط تنگاتنگی با گروه بیت باکسی که وارد اثر کرده‌اید دارد در این مورد بگوئید.

می‌خواستیم که موسیقی کار حتماً یک موسیقی زنده، جدید و در عین حال به انسان مربوط باشد در همین راستا ابتدا به هم آوایی فکر می‌کردم یا نوعی از موسیقی که انسان در تولیدش نقش بیشتری به نسبت ساز داشته باشد تا اینکه از دوستان استفاده از بیت باکس را به من پیشنهاد کرد و من تا آن لحظه هیچ تصویری از حضور یک گروه بیت باکس در تأثیر نداشتیم و نمی‌دانستیم که چه اتفاقی را می‌تواند رقم بزند و پیرو آن سراغ گروه‌های جوان و علاقمند رفتیم. دکور ما نیز متناسب با فضای نمایشنامه و در واقع انبار یک کارخانه است اما می‌خواستیم حضور بچه‌های موسیقی مثل اکثر کارهایی که در تأثیر می‌بینیم نباشد و می‌خواستیم مخاطب کاملاً حس کند که این موسیقی بخشی از نمایش است بر این اساس به ذهنم رسید که بچه‌های بیت باکس به عنوان کارگران آن کارخانه حضور داشته باشند و در حین اجرای بازیگران اصلی سبایه‌ای از آنها در حال انجام یک سری کارهای مربوط به کارخانه دیده شود و بدین ترتیب با همپوشانی برخی قسمت‌های اجرای بیت باکس و تعویض صحنه‌ها دیگر با تقطیع در این موضوع مواجه نمی‌شدیم و سبب می‌شد که رفت و برگشت توری نداشته باشیم.

رضوی را کمتر در آثار کمدی دیده‌ایم علت این انتخاب چه بود؟

ما قبل از خانم رضوی بازیگر دیگری را برای این کاراکتر مد نظر داشتیم اما به خاطر شرایط کاری ایشان، ادامه همکاری میسر نشد. اما من از همان ابتدا برای این کاراکتر به دنبال بازیگری بودم که در این قالب دیده نشده باشد یعنی در قالب یک دختر لات و جنوب شهری که شاید وضع مالی خوبی هم ندارد و نمی‌خواستیم بازیگر این نقش کسی باشد که پیش از این کاراکتری مشابه را در ذهن مخاطب تداعی کرده باشد.

